

## ● علی سجادی حسینی از زبان دیگران

عظیم جوانروح (مدیر فیلمبرداری):

خصلت‌های شخصی (علی) بماند برای فرصتی دیگر. اما او در کار خود (سینما) دارای شهامت بود. علی، منتظر کار نمی‌ماند بلکه کار ایجاد می‌کرد. برویجه‌های سینما می‌دانند با دست خالی فیلم ساختن یعنی چه؟ هر کسی از عهده این کار بر نمی‌آید و او در این کار بسیار موفق بود. برای روح آن مرحوم درجات متعالی آرزو دارم.

مسعود کرامتی (کارگردان سینما):

آن حادثه شوم که علی را از ما گرفت، همواره در ذهنم این نکه را تداعی می‌کند که: کسانی که در عرصه سینما فعالیت می‌کنند چقدر امنیت دارند؟ جوابش روشن است، هیچ!

سیامک اطلسی (بازیگر سینما)

در میان آهن پاره‌ها، شیشه جانش به تلنگر یک بچه بازیگوش شکست.

مازیار پرتو (مدیر فیلمبرداری)

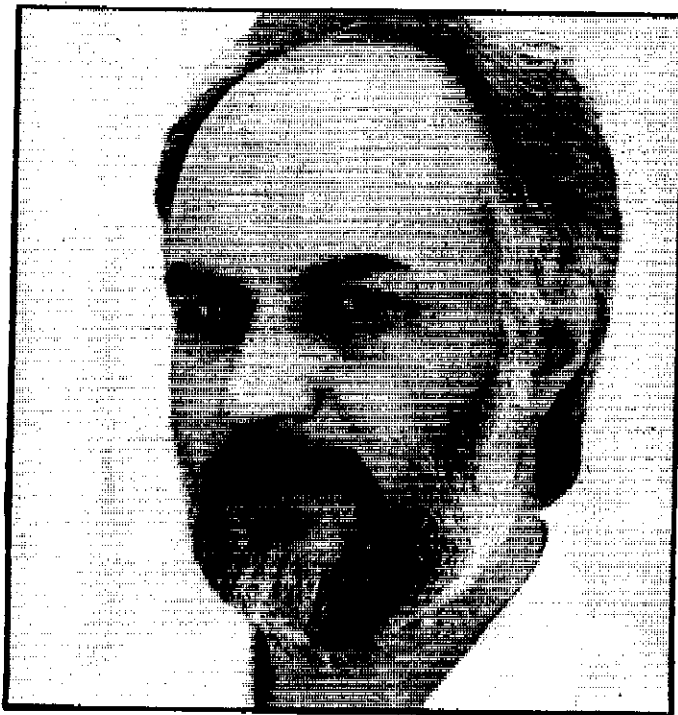
من تا به حال در هیچ کاری با مرحوم سجادی حسینی همکاری نداشتم ولی آنچه که در چند برخورد بین من و او مشهود بود نجابت و گاردانی و برخورد خوب و محبت‌هایش بود که فراموش نشدنی است. یکی دو کار از او دیده‌ام که نسبت به سنی که داشت کارهای ارزنده و خوبی را ارائه داده بود.

نگار جاودان (طراح صحنه)

خاطره ایشان همیشه در یاد ما باقی خواهد ماند. خیلی در کار جدی بودند خوشحالم که در یک کار با ایشان همراه بودم ولی متأسفانه این اتفاق پیش آمد. امیدوارم دیگر در سینمای ما چنین اتفاقاتی نیفتد.

داوود میرباقری (نویسنده و کارگردان)

من با مرحوم سیدعلی سجادی حسینی از نزدیک یکی دوبار بیشتر برخورد نداشتم او را مردی بسیار آرام یاقم، مردی که کمتر حرف می‌زد و بیشتر فکر می‌کرد. وقتی درباره سینما حرف می‌زد، می‌توانستی نوعی قداست در بیان و لحن او بشنوی. قرار بود برایش فیلمنامه‌ای برای کودکان دست و پا کنم، کار کمی به درازا کشید و ایشان مشغول خط‌آتش شدند. او را ندیدم تا اینکه با خبر شدم... روانش شاد و جایش در میان اهل سینما همیشه سبز.



اصغر همت (بازیگر)

کمتر کسی را به متانت و صبوری سجادی در سینما سراغ دارم. مردی شریف بود که فدای بی‌نظمی و بی‌برنامگی رایج در سینما شد.

افسر اسدی (بازیگر)

پیش از آنکه سینما سجادی را دق مرگ کند به مقام والای شهادت رسید.

افسر اسدی شعری موشح برای زنده یاد علی سجادی سروده است:

عزم به دیدار خدا داشت او  
از طلبش دست نمی‌داشت او  
لب چو به لبیک خدا برگشود  
سینه جانان صدفش درگشود  
یافت همی دُرّ نهران گشته را  
در طلبش ذره سرگشته را  
سوخته را عشق نشان داد او  
عشق خدایی بنمایاند او  
جان چو در این راه از او برستاند  
صدر ملائک قدمش برنشانند  
از قبل عشق بدین قر و جاه  
ذره نشسته است در آن پایگاه  
دست علی باد شفیع علی  
جایگش جای رفیع علی  
یاد علی باد گرامی از آن  
کم چو علی زاده شده در جهان